

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان: گلشن افتخاری
۱۷ جولای ۲۰۲۵

گاردین: اگر اوکراین سقوط کند چه می‌شود؟ این دیگر یک پرسش فرضی نیست، ناتو باید اقدام کند



در حالی که نگرانی از پیشروی روسیه و احتمال شکست ناتو در اوکراین از سطح فرماندهان نظامی و رهبران سیاسی جنگ‌طلب به درون رسانه‌ها کشیده شده، اکنون سایمون تیسدل، نویسنده و مفسر بخش خارجی روزنامه گاردین، زنگ هشدار را به صدا درآورده است. او در این مقاله از تردیدها و ناتوانی غرب سخن می‌گوید و هشدار می‌دهد سقوط اوکراین می‌تواند به یک شکست ستراتیژیک تاریخی برای ناتو و اروپا تبدیل شود.

طی ۴۰ ماه خونین و بیرحمانه، اوکراین با اشغالگر روس جنگیده است. از فبروری ۲۰۲۲، زمانی که حمله سراسری و تمام‌عیار مسکو آغاز شد، مردم این کشور با حملات بی‌وقفه و ویرانگر مواجه بوده‌اند. ده‌ها هزار نفر کشته یا زخمی شده‌اند و میلیون‌ها نفر خانه‌های خود را از دست داده‌اند. صنایع، فروشگاه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و نیروگاه‌های اوکراین در آتش می‌سوزند، زمین‌های حاصلخیز آن نابود شده است. کودکانش یتیم، آسیب‌دیده روانی یا ربوده شده‌اند.

علی رغم درخواست‌های مکرر، جهان نتوانسته این کشتار را متوقف کند. و با این حال، اوکراین با وجود کمبود نیرو و تسلیحات، به مبارزه ادامه داده است.

قهرمانی اوکراینی‌ها در دل این وحشت چنان به امری عادی بدل شده که تقریباً بدیهی فرض می‌شود. اما در حالی که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، جنگ را تشدید کرده و هر شب با موج بی‌سابقه‌ای از پهپادهای مسلح بر سر کیف و سایر شهرها رعب می‌پراکند و در حالی که حمایت آمریکا و تلاش‌های صلح متزلزل شده و سربازان خسته اوکراینی در خط مقدم با فرسودگی روبه‌رو هستند، این آسودگی خاطر، هرچه بیشتر، بی‌جا به نظر می‌رسد. پرسشی که دیگر فرضی نیست، هر روز واقعی‌تر و فوری‌تر می‌شود: اگر اوکراین سقوط کند چه می‌شود؟

پاسخ: اگر اوکراین سقوط کند، این سقوط به معنای یک شکست ستراتیژیک حماسی برای غرب خواهد بود که هم‌سنگ یا حتی فراتر از فاجعه‌های افغانستان و عراق است. پیامدهای منفی آن برای اروپا، بریتانیا، اتحاد فراتلانتیک و حقوق بین‌الملل واقعاً هراس‌انگیز است. همین فکر باید ذهن‌ها را متمرکز کند.

از روزهای پایانی ۲۰۲۳، زمانی که ضدحمله اوکراین متوقف شد، مشخص شد که اوکراین در حال پیروزی نیست. در بیشتر ماه‌های امسال، نیروهای روسی بدون توجه به هزینه‌ها، به تدریج در دونتسک و سایر مناطق شرق، پیشروی کرده‌اند. برآوردها نشان می‌دهد تلفات روسیه اخیراً از یک میلیون کشته و زخمی فراتر رفته است. با این حال، آن‌ها همچنان به حملات خود ادامه می‌دهند. اگرچه هنوز پیشرفت بزرگی از سوی روسیه رخ نداده است، اما برای مدافعان اوکراینی که گرفتار شده و کمبود تجهیزات دارند، این جنگ اکنون به یک نبرد روزانه برای بقا بدل شده است. این که اصلاً می‌توانند همچنان مقاومت کنند، خود شگفت‌انگیز است.

این که اوکراین تا چه مدت می‌تواند در میدان نبرد، در آسمان و در عرصه دیپلماتیک و سیاسی مقاومت کند، بشدت مورد تردید است. این کشور با کمبود نیروی انسانی، مهمات و راکت‌های رهگیر مواجه است. همچنان می‌تواند بشدت ضربه بزند. اشغال منطقه کورسک روسیه توسط اوکراین و انهدام بمب‌افکن‌های ستراتیژیک روسیه در ماه گذشته در عمق خاک این کشور، شگفت‌انگیز بود. اما این موفقیت‌های موقت، توازن قدرت یا مسیر کلی تحولات را تغییر نمی‌دهد.

همچنین اوکراین به طور فزاینده‌ای از کمبود دوستان قابل‌اعتماد رنج می‌برد، هرچند شاید این موضوع همیشه وجود داشته است. پوتین، «ائتلاف مایل به جنگ» خود را – شامل چین، ایران، کوریای شمالی و دیگران – برای حمایت از ماشین جنگی خود بسیج کرده است. معادل غربی آن، به رهبری بریتانیا و فرانسه، در حالت تعلیق قرار دارد. استقرار یک «نیروی اطمینان‌بخش نظامی» امکان‌پذیر نیست. به دلیل لجاجت پوتین و بی‌کفایتی دونالد ترامپ، هیچ آتش‌بس قابل اجرائی وجود ندارد و هیچ چشم‌اندازی برای آن در کار نیست.

هفته گذشته در لندن، امانوئل مکران، رئیس‌جمهور فرانسه، و کبیر استارمر، نخست‌وزیر بریتانیا، وعده‌های آشنای حمایت قاطعانه را تکرار کردند. گفتنش آسان است. اما ارائه کمک نظامی مؤثر دشوارتر است. مانند سایر کشورهای اروپایی، بریتانیا و فرانسه فاقد تسلیحات پیشرفته و تجهیزات لازم به میزان کافی هستند؛ تجهیزاتی که تنها ایالات متحده می‌تواند تأمین کند.

برای پر کردن این خلأ، فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان، پیشنهاد کرده که باتری‌های پدافند هوایی پاتریوت آمریکا را خریداری کرده و به کیف اهداء کند. اما مانند اتحادیه اروپا و اجلاس اخیر سران ناتو، اولویت اصلی مرتس، دفاع از امنیت ملی آلمان است. در حالی که او راکت‌هایی برای اوکراین کنار می‌گذارد، هزینه‌های دفاعی آلمان را سه برابر کرده است. بریتانیا نیز همین کار را انجام می‌دهد.

ترمپ، میمون تسلیم طلب امریکا، همچنان بزرگترین سردرد دیپلماتیک کیف است. طرح آتش بس ۳۰ روزه و نامتوازن او از سوی مسکو رد شد، پیشنهاد معاملات تجاری او میان امریکا و روسیه نادیده گرفته شد. پس از ماه‌ها بدگونی درباره ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، و چاپلوسی برای پوتین، این «نابغه بسیار با ثبات» اکنون به این نتیجه رسیده است که رهبر روسیه – که یک جنایتکار جنگی تحت تعقیب است – «چرند» می‌گوید و قابل اعتماد نیست. چه کشف بزرگی!

ترمپ اکنون می‌گوید که ارسال محدود سلاح‌های دفاعی به کیف را از سر خواهد گرفت و شاید از تحریم‌های بیشتری حمایت کند. اما این موضوع نه به سیاست مربوط است و نه به اصول. غرور او جریحه‌دار شده است. احساساتش آسیب دیده است. یک جمله تحسین‌آمیز از جانب برادر لیخند به لب کرملین می‌تواند بلافاصله نظر او را تغییر دهد. ترمپ مانند همه گردن‌کلفت‌ها، غریزی طرف قوی‌تر را می‌گیرد. جای تعجب نیست که پوتین محاسبه می‌کند می‌تواند اوکراین را فرسوده کند، از غرب پیشی بگیرد و در این جنگ پیروز شود.

همه چیز از دست نرفته است. چه با ترمپ، چه بدون او، ناتو می‌تواند همان‌طور که بارها در اینجا تأکید شده، رویکردی قاطع‌تر اتخاذ کند؛ با اعمال مناطق پرواز ممنوع بر فراز بخش‌های آزاد اوکراین و هدف قرار دادن راکت‌ها و پهپادهای ورودی. موضع نظامی روشن است، استدلال‌های حقوقی و بشردوستانه نیز غیرقابل رد است. روسیه بارها به حاکمیت همسایگان عضو ناتو تجاوز می‌کند. تلاش‌های پوتین برای باج‌خواهی هسته‌ای، که جو بایدن را بشدت نگران کرده بود، مایه تحقیر است. اگر ناتو فقط شهادت لازم را داشت، می‌توانست پوتین را سر جایش بنشاند.

اگر این امکان‌پذیر نباشد، تحریم‌های جدید امریکا و اتحادیه اروپا علیه صادرات نفت روسیه باید بدون هیچ تأخیری اعمال شود. میلیاردها دالر اموال کرملین که در بانک‌های غربی نگهداری می‌شود باید مصادره شده و برای تأمین تسلیحات و بازسازی هزینه شود. کشورهایی مانند هند که از تحریم کرملین امتناع کرده و از این جنگ سود می‌برند، باید دعوت شوند تا گزارش تکانه‌دهنده جدید دادگاه حقوق بشر اروپا درباره وحشیگری جنایات جنگی روسیه را بخوانند – و به آن‌ها گفته شود که باید یک طرف را انتخاب کنند.

اکنون دو نتیجه محتمل‌تر از سایر سناریوها به نظر می‌رسد: یک جنگ بی‌پایان و بی‌نتیجه، یا سقوط اوکراین. شکست اوکراین و توافقی مطابق شرایط سلطه‌جویانه پوتین، شکست کل غرب خواهد بود – یک ناکامی ستراتیژیک که نویدبخش دورانی از درگیری دائمی و گسترده در سراسر اروپا خواهد بود. حتی برای روس‌ها نیز، هیچ‌یک از این دو نتیجه، پیروزی پایدار نخواهد بود. تلاش‌های بیشتری لازم است تا سیاستمداران و مردم روسیه متقاعد شوند که این جنگ، که چنان هزینه‌های سنگینی از نظر جان انسان‌ها و منابع مالی برای کشورشان داشته، می‌تواند از طریق مذاکره پایان یابد، نگرانی‌های امنیتی مشروع آن‌ها بررسی خواهد شد، و جایگزین‌های دیگر بسیار بدتر خواهند بود.

اما نخست، آن‌ها باید او را کنار بزنند. معمار اصلی این وحشت، نویسنده اصلی رسوایی روسیه، باید خلع سلاح، برکنار و به عدالت بین‌المللی سپرده شود. پوتین باید سقوط کند، نه اوکراین.

علی‌رغم ادعای نویسنده گاردین، این جنگ، جنگی نیست که ناتو در آن «غایب» بوده باشد تا اکنون گفته شود برای پایان دادن به آن وارد شود و با شکست پوتین و افراشتن پرچم پیروزی در کییف خاتمه‌اش دهد؛ ناتو از پیش از جنگ و در تمام مدت، با کمک‌های فکری، مالی و لجستیکی در این جنگ حضور داشته و علی‌رغم مخالفت نیروهایی که خواهان حل اختلاف از طریق مذاکره بوده‌اند، بر پیروزی در جبهه و شکست روسیه تأکید کرده است؛ راهی که همین نوشته و فراخون مداخله بیشتر ناتو در جنگ بازتاب شکست آن است.

یکشنبه ۲۲ تیر-سرطان-۱۴۰۴